

بسته اقتصادی دوران ارز تک نرخی

پیشنهادهای عملیاتی
به تیم اقتصادی دولت
در شرایط حساس کنونی

۸ پیشنهاد در وضعیت یکسان سازی ترجیحی

یادداشت

محمد طاهران پور
پژوهشگر حلقه حکمرانی پولی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

از روزها و ماه‌های گذشته تاکنون شاهد نوسان‌های شدیدی در بازار ارز بوده‌ایم که این نوسان‌هایی ثباتی بازارها و اعراض بحق اصناف و کسبه را دربرداشت. نوسان‌های قیمتی در بازار ارز موجب افزایش نااطمینانی فعالان اقتصادی شده و آن‌ها را از ادامه فعالیت‌های اقتصادی باز می‌دارد و به رکود بازارها دامن می‌زند و تولیدکننده، فروشنده و مصرف‌کننده از چنین شرایطی متضرر خواهند شد. هم‌زمان با تصمیم‌گیری بر سر بودجه سال ۱۴۰۵ شاهد تصمیم‌گیری‌ها و تغییر و تحولاتی در سیاست‌های ارزی کشوریم و این بار ارکان اقتصادی دولت تلاش دارند پس از سال‌ها بار دیگر سیاست ارز تک نرخی را دنبال کنند؛ سیاستی که بارها دولت‌های مختلف تلاش کرده‌اند آن را اجرا کنند که گاه موفق بوده‌اند و گاه شکست خورده‌اند.

واکوری تاریخ پولی ایران از زمان روی کار آمدن ریال در سال ۱۳۰۹ تاکنون نشان می‌دهد علی‌رغم تلاش‌های متعدد، تنها دو بار شاهد اجرای سیاست ارز تک نرخی در بلندمدت و استقرار موفقیت‌آمیز آن بوده‌ایم؛ بازه اول از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ بود که ارزش ریال به دلار آمریکا میخکوب شده بود، به گونه‌ای که قیمت هر دلار طی این سال‌ها تقریباً در محدوده ۷۰ ریال ثابت بود. موفقیت این دوره در حفظ نرخ واحد، بیش از آنکه حاصل کارآمدی نهادی باشد، برآمده از ثبات نسبی متغیرهای کلان و تراز تجاری مثبت در آن مقطع بود. بازه دوم نیز از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ بود. این بازه به عنوان موفق‌ترین تجربه یکسان سازی ارزش از انقلاب اسلامی شناخته می‌شود. در اوایل دهه ۸۰ دولت موفق شد با حذف نرخ‌های ترجیحی و مدیریت انتظارات، شکاف میان نرخ رسمی و بازار را به حداقل برساند. در این دو دوره شرایط مشترکی حاکم بود که دولت‌ها را ترغیب کرد چنین سیاستی را پیاده کنند؛ مهم‌ترین نقطه اشتراکی که در این دو دوره وجود داشت، وفور درآمد‌های ارزی حاصل از فروش منابع نفتی بوده است. افزایش هم‌زمان قیمت نفت و حجم تولید، منابع ارزی کلانی را در اختیار بانک مرکزی قرار داد تا از طریق مداخلات در بازار ارز، هرگونه فشار تقاضا را کنترل کرده و نرخ‌ها را همگرا نگه دارد. در دوره اول از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ عواملی چون افزایش حجم تولید نفت و پس از آن شوک نفتی سال ۱۹۷۴ و افزایش حدود ۲۰۰ درصدی قیمت جهانی نفت تبدیل به پشتوانه محکمی برای ادامه دادن ارز تک نرخی با نرخ ثابت ۷۰ ریال شد. در دوره دوم جهش قیمت نفت در دهه ۲۰۰۰ و رسیدن آن تا نزدیک به قیمت ۱۰۰ دلار به ازای هر بشکه، در کنار حجم بالای تولید و فروش نفت باعث شد دولت وقت بتواند نظام تک نرخی ارز را حفظ کند و حدود یک دهه آن را ادامه دهد. نکته قابل توجه این است که فروپاشی نظام تک نرخی ارز

در هر دو دوره عمدتاً ناشی از کاهش درآمد‌های نفتی یا مواجه شدن با موانعی مانند تحریم یا تغییر نظام سیاسی بوده است که به بروز اختلالات جدی در تولید یا فروش نفت منجر شد. واکوری تجربه‌های تاریخی به ویژه در دو دوره مذکور نشان می‌دهد تک نرخی کردن ارز در ایران، بیش از آنکه برآمده از اراده اصلاح‌گری ساختاری باشد، واکنشی انفعالی به «سریز منابع ارزی» بوده است. در حال حاضر دولت با شرایطی متفاوت مواجه است. درآمد‌های حاصل از صادرات منابع نفت قابل مقایسه با دو دوره گذشته نیست و به واسطه تحریم‌ها و بی‌ثباتی در قیمت‌های جهانی تحقق این درآمد‌ها با ریسک‌های بالا مواجه است؛ نatarازی شدید در حساب سرمایه به واسطه نااطمینانی‌ای که از شرایط اقتصادی کشور وجود دارد به گونه‌ای است که در برابر ورود قطره چکانی سرمایه به دلیل تحریم‌ها و ریسک بالای سرمایه‌گذاری در کشور حجم خروج سرمایه بسیار بالاست. با توجه به اینکه جریان‌ات سرمایه در کوتاه‌مدت جابه‌جا می‌شوند، تحمیل ناگهانی این نatarازی به تراز پرداخت‌ها می‌تواند بازار ارز را از طرفی با کاهش عرضه و از طرف دیگر با فشار تقاضا و بحران مواجه کند. بنابراین هم حساب جاری و هم حساب سرمایه که از اجزای تراز پرداخت‌های کشورند با ریسک‌های بالا مواجهند. زمانی که تراز پرداخت‌ها با چنین ریسک‌هایی روبه‌روست نظام تک نرخی ارز با کوچک‌ترین شوک نفتی (چه اختلال در فرایند صادرات نفت و چه اختلال در وصول درآمد‌های نفتی) یا شوک سیاسی (در فضای داخلی یا بین‌المللی) می‌تواند در آستانه فروپاشی قرار گیرد. نکته مهم دیگر مختصات بازار ارز ایران به ویژه بازار غیررسمی است. برای درک چرایی پایداری بازار غیررسمی و شکست تلاش‌ها برای یکسان سازی، باید بازیگران این بازار را به دو لایه متمایز تفکیک کرد:

بازیگران دووجهی (فرصت‌طلبان ارزی): این گروه شامل صادرکنندگان و واردکنندگانی است که قانوناً امکان فعالیت در بازار رسمی را دارند؛ اما به دلایلی نظیر فرار مالیاتی، اجتناب از نظارت‌های بازرسی یا بهره‌مندی از تفاضل قیمت، فعالیت در بازار غیررسمی را انتخاب می‌کنند. سیاست‌گذار به اشتباه گمان می‌کند با حذف سقف قیمتی در بازار رسمی و نزدیک کردن نرخ‌ها، انگیزه این گروه از بین رفته و بازار غیررسمی کوچک و بی‌اثر خواهد شد.

ادامه در صفحه ۶

شب‌های سخت آمریکایی‌ها در عراق و لبنان

پیام روشن

سخنان شیخ نعیم قاسم

و بیانیه کتائب حزب الله ۲

در جشنواره چهل و چهارم چه بازیگرانی حضور دارند

فجر پرستاره

«می‌خواستم اسبت باشم» پس از موفقیت در جشنواره نمایش دانشگاه آزاد

امروز روی صحنه جشنواره فجر می‌رود

تئاتر شهر میزبان
روایت شاهنامه‌ای تهران مرکزی‌ها

۴

بیانیه ۳۵۰۰ خبرنگار
در حمایت از رهبر انقلاب

۶

چند بازیگر فراری در ماجراهای اخیر حضور نقش شعبان جعفری سال ۳۲ را بازی کردند

اشکان بی‌مخ

۷